

نقد و تحلیل

نقدی تحلیلی بر بیتی از شاهنامه

■ علی صفی زاده

مدرس دانشگاه و آموزش و پرورش و دانشجوی
دکتری زبان و ادبیات فارسی

چکیده

در مقاله پیش رو از دریچه‌ای متفاوت با روال عادی نسخه‌های شاهنامه، به بیتی معروف از شاهنامه پرداخته شده است. نگارنده با مراجعه به شاهد مثال‌های گوناگون و نسخه‌ها و منابع معتبر شاهنامه به این نکته رسیده که در بیت معروف «ترا دانش و دین رهاند درست/ ره رستگاری بیایدت جست» در مصراع نخست «ترا دانش دین رهاند درست» صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا در تمام این بخش (بیست و چند بیت) فقط سخن از رستگاری به واسطه دین و پیروی از سیرت و سیره رسول الله است و از دانش و دانایی سخنی نیست. نظرات گوناگون و دیدگاه‌های متفاوت در این باره، در مقاله پیش رو کاویده و شکافته شده و با شاهد مثال‌هایی از شاعران و نویسندگان دیگر نقد و تحلیل و پردازش شده است.

کلیدواژه‌ها: شاهنامه، دانش دین، نسخه‌شناسی

در تصحیح
جدید و انتقادی
که جلال خالقی
مطلق در
سال‌های اخیر
از شاهنامه به
چاپ رسانده و
نامه باستان از
میر جلال‌الدین
کزازی، ترکیب
درست در بیت
مورد بحث
«دانش دین»
ثبت و ضبط
شده است

مقدمه

شاهنامه از شاهکارهای خیره‌کننده در فرهنگ و تاریخ بشری به شمار می‌رود و بدون گزافه و گمان، نامه جاودان و ماندگار فرهنگ ایران است به یقین، باید گفت «اگر باستان ما هنوز زنده و تپنده است و داستان روزگار ماست، در گرو این نامورنامه هزاره‌هاست که در آن، پاره‌ها، همچون پاره‌ها، پیوند گرفته‌اند. شاهنامه دروازه جهانی است فراخ، شگرف، روشن، فسانه‌رنگ و فسون‌بار که آن را جهان ایرانی می‌خوانند» (کزازی، ۱۳۷۹: ۴). در این منظومه سترگ، که هم جنبه ملی دارد و هم جنبه دینی، اندیشه‌ها و حکمت‌های اسلامی

نقد و تحلیل بیت شاهنامه

در آغاز شاهنامه و در بخش «گفتار اندر ستایش پیغمبر»، فردوسی مقام و بزرگی ختم رُسل را می‌ستاید و در مورد ایشان داد سخن می‌دهد. در بسیاری از نسخه‌های شاهنامه در همان بیت اول در مورد دین و راه رستگاری انسان می‌گوید:

ترا دانش و دین رهاند درست
ره رستگاری بیایدت جست

(شاهنامه، تصحیح مُل، ج ۱، بیت: ۹۳)

این بیت در تصحیح ژول مُل و چاپ مسکو

«ز روز گذر کردن اندیشه کن
پرستیدن دادگر پیشه کن»

(رزمجو، ۱۳۸۱: ۲۹)

به صورت بالا درج شده است اما در تصحیح انتقادی شاهنامه که خالقی مطلق در سال‌های اخیر چاپ نموده و همچنین در نامه باستان که میرجلال‌الدین کزازی ویرایش و گزارشی از شاهنامه ترتیب داده، بیت مورد بحث به شکل زیر آمده است:

ترا دانش دین رهاند درست
در رستگاری بیایدت جُست

(نامه باستان، ج ۱، بیت: ۹۰)

با توجه به بیت بالا و دقت و ژرف‌کاوی در بخش «گفتار اندر ستایش پیغمبر» که بیش از بیست بیت از شاهنامه را در بردارد، به این نتیجه می‌رسیم که صورت دوم بیت (نظر استادان کزازی و خالقی مطلق)، بیشتر با سخن و روش فردوسی همخوانی دارد و دیگر ابیات این بخش نیز همین را تأیید می‌کنند. از آغاز تا انجام شعر «ستایش پیغمبر» سخن از رستگاری و رهایی با سیره و هدایت رسول‌الله(ص) و مولا علی(ع) است. در هیچ جای این بیست و چند بیت - در نسخه‌ها تعداد ابیات متفاوت است - کوچک‌ترین اشاره‌ای به دانش نشده، و تمام تأکید فردوسی بر راه دین و هدایت از طریق دین است و شاعر هشدارمان می‌دهد که مبادا از راه پیغمبر و امام علی - که درود خداوند بر ایشان باد - فاصله بگیریم که انحطاط و سقوط ما در جدایی و زاویه گرفتن از مسیر آن‌هاست و پیامد دور شدن از رهنمودهای پیغمبر(ص) به گفته فردوسی، گرفتار دام بلا شدن، بدبختی در دو گیتی، بدنامی در درگاه کردگار، گرفتاری و نژندی دل در تیرگی‌ها، از کشتی سعادت و رستگاری جا ماندن و... است. در ادامه نیز با تأکید بر این موارد، هشدارمان می‌دهد که مبادا از این راه دور شوی؛ زیرا خوشبختی فقط و فقط در راه پیغمبر(ص) است:

گرت زین بد آید، گناه من است
چنین است و این دین و راه من است

(نامه باستان، ج ۱، بیت: ۱۰۳)

همان‌گونه که در بالا نیز اشاره شد، در این ابیات سخن از دانش نیست، بلکه سخن از راه دین و راه رستگاری است. می‌توان گفت که در بیت مورد بحث حرف «و» که بین دانش و دین قرار گرفته است، می‌تواند اشتباه ناسخان و کاتبان باشد. در تأیید «دانش دین» برترین راه رستگاری و خوشبختی بشر و دانش دین بهترین و نخستین دانش است، به چند نمونه دیگر از فردوسی یا شاعران و نویسندگان بزرگ اشاره می‌کنیم:

سر راستی دانش ایزدبست

چو دانستی‌اش زو نترسی بدیست

(شاهنامه، تصحیح مُل، ج ۶، بیت: ۱۱۲۵)

ناصر خسرو نیز در بیت زیر بر فراگیری دانش دین برای رهایی بخشیدن و رستگاری انسان تأکید دارد:

عمرشد آن مایه بود و دانش دین
ماند ازو سود یادگار مرا

(قبادیانی بلخی، ۱۳۸۹: ۶۱)

در قابوس‌نامه نیز آمده است:

بزرگوارترین علمی علم دین است. پس ای پیر، تا توانی گرد علم دین گرد (عنصرالمعالی کیکاوس، ۱۳۷۲: ۱۲۲).

نتیجه

نگارنده با مراجعه به شاهد مثال‌های گوناگون و نسخه‌ها و منابع معتبر شاهنامه به این نتیجه دست یافت که در بیت معروف:

«ترا دانش و دین رهاند درست
ره رستگاری بیایدت جُست»

در مصراع نخست «ترا دانش دین رهاند درست» صحیح‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا در تمام این قطعه از شاهنامه، فقط سخن از رستگاری به واسطه دین و پیروی از سیره رسول‌الله است و سخنی از دانش و دانایی نیست. پیام فردوسی این است که سعادت و رستگاری بشر فقط و فقط در گرو پابندی به دین است. نتیجه دیگر اینکه در آثار بزرگ و شاهکارهای ادبیات غنی فارسی، باید به تمام منابع و نسخه‌های موجود رجوع نمود تا بهترین و شیواترین متن با پژوهش و بررسی به دست آید و مفهوم دقیق و مطمئن بیت حاصل شود.

منابع

۱. خالقی مطلق، جلال. (۱۳۹۳). یادداشت‌های شاهنامه. ج سوم. تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۲. رزمجو، حسین. (۱۳۸۱). قلمرو ادبیات حماسی ایران. ج اول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
۳. سنگری، محمدرضا و همکاران. (۱۳۹۲). فارسی (متوسطه). ج اول. تهران: چاپ و نشر کتب درسی.
۴. عنصرالمعالی، کیکاوس. (۱۳۷۲). گزیده قابوس‌نامه. تصحیح غلامحسین یوسفی. ج اول. تهران: سخن.
۵. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). شاهنامه. به تصحیح زول مل. ج سوم. تهران: سخن.
۶. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). شاهنامه، نسخه مسکو. تصحیح سعید حمیدیان. تهران: قطره.
۷. قبادیانی بلخی، ناصرین خسرو. (۱۳۸۹). دیوان. با مقدمه سیدحسن تقی‌زاده. ج ششم. تهران: نگاه.
۸. کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۷۹). نامه باستان (گزارش شاهنامه). ج ۱. ج اول. تهران: سمت.

پوزش و اعتذار

مقاله انسجام در ژرف ساختن شعر صدای پای آب نوشته آقای دکتر محمد خسروی شکیب و خانم گلی اشرف مدرس است، که در ص ۵۲ شماره ۱۱۲ مجله به اشتباه به نام شخص دیگری به چاپ رسیده است.